

■ **علی احمدی فراهانی**

آغازین بخش از گفت‌وشنود مبسوط ما با آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان و امام جمعه مشهد را روز گذشته از نظر گذراندید. اینک دومین و اوپسین بخش از این مصاحبه پرزکنه را پیش‌روی دارید.

■ ■ ■

پس شما راه فرهنگسازی انقلابی در شهرها را منحصراً در ترویج دیدگاه‌های رهبری می‌دانید؟

مسئلاً، ایشان مرجع تقلیدی هستند که در ریزترین مسائل سیاسی تعیین تکلیف می‌کنند و راهبرد نشان می‌دهند، آن هم مبتنی بر قرآن و حدیث. باید دید اگر پشت سر این رهبر حرکت نکنیم، نزد خدا چه جتنی داریم؟ کسی که این رهبر را کنار بگذارد و دنبال یک تحلیل یا اندیشه سیاسی که از جای دیگری آمده است برود، در درگاه اقدس امام زمان (عج) چه توجیهی را می‌تواند اظهار کند؟ تکلیف شرعی و وظیفه دینی ما ترویج مبانی رهبری است که البته همان مبانی دینی است. آقایان باید اندیشه‌ها و راهبردهای رهبری را به گونه‌ای ترویج کنند که در جامعه یک حاکمیت و نفوذ قوی پیدا کنند. دراین باره، شخص بنده یا شخص دیگری مطرح نیستیم. نتیجه‌اش این است که در مردم انگیزه حرکت به سمت اهداف مقدس انقلاب ایجاد می‌شود و اساساً مردم انقلابی می‌شوند و این جامعه یک جامعه دربی آرمان‌های دینی خواهد بود.

ارز یابی شما از ترکیب مجلس آینده خبرگان چیست؟ طرف مقابل در انتخابات خبرگان به این رفتارها دست یازید تا اینکه یا در کار رهبری خلل ایجاد و نوعی نظارت مزاحم برای رهبری در دست کنند یا اگر لازم شد خودشان برگزینند! با توجه به نتایج انتخابات، از نظر شما آنها چقدر توانستند به این نتیجه برسند؟

خوشبختانه فضای خبرگان با این کارها به هم نخورد. آنچه مسلم است، ۸۰ درصد خبرگان از لیست «جامعتین» انتخاب شده‌اند. ممکن است لیست جامعین از طرف جریان‌های دیگر سیاسی هم تأیید شده یا نشده باشد، ولی ۸۰ درصد کسانی که انتخاب شدند در لیست جامعین بودند. وقتی شورای نگهبان صلاحیت افراد را تصویب کرد، آقایان هم در جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین شخصیت ولایی اینها را ارزیابی و معرفی‌شان کردند و ۸۰ درصد ترکیب مجلس از این افراد است در مجلس قبلی ۹۰ درصد از این افراد بودند. طبیعی است فضای حاکم بر این مجلس، فضای تعامل و همکاری با رهبری خواهد بود، ضمن اینکه به هر حال وظایف قانونی خود را هم انجام خواهند داد. خاطرم است در دوره قبلی مجلس صحبتی درباره نحوه رهبری مقام معظم رهبری و مدیریت ایشان نسبت به نظام شد. در روزی که آقایان پس از رحلت حضرت امام به رهبری ایشان رای دادند، آرای مثبت ۴۳درصد بود، اما در چند سال پیش که در باره رهبری آینده نظام زمزمه‌هایی شد، صددرصد با آقای دادند و حتی خود آقای هاشمی هم این مطلب را شخصاً صراحتاً ابراز کرد. اعلام شد که گزینه رهبری برای نظام در حال حاضر، صدرمد منتخب به ایشان است. الان حتی صحبت‌ترین دشمنان آقا که به ایشان انتقاد هم دارند، گزینه‌ای بهتر از ایشان را برای رهبری نظام نمی‌شناسند. الان ما در کشور در شرایطی هستیم که درست مثل زمان حضرت امام، برای رهبری گزینه دومی نداریم! خود مقام معظم رهبری پس از رحلت امام فرمودند: «همه برای امروز ما نقشه داشتند، خود ما نداشتیم.» چرا؟ چون برای رهبری گزینه‌ای غیر از امام نداشتیم. الان هم همین‌طور است. یعنی حتی جریان‌ات سیاسی مخالف ایشان هم معتقدند که گزینه‌ای بهتر از ایشان وجود ندارد، چه رسد به خبرگانی که بخوانند رهبر دیگری را مشخص کنند... دستاویز عده‌ای برای ایجاد تزلزل در جاییگاه رهبری، طرح گزینه شورایی کردن آن است. اگر چه آقای هاشمی از طریق یکی از سخنگویانش، فعلاً این حرف را پس گرفته است، اما هر از گاهی آن را مطرح می‌کند و فضای جامعه را تست می‌زند. دیدگاه شما در این باره چیست؟

این حرف‌ها مفهومی ندارد. اولاً روایاتی داریم در نفی شورا برای رهبری. البته این غیر از مشورت‌پذیری رهبری است که در هر حال وجود داشته و دارد. سخن نیاخت است که شورای رهبری، مانع روایی دارد. ثانیاً: الان واقعا کدام شورااست که بتواند مثل مقام معظم رهبری این بحران‌های عظیم سیاسی را مهار کند و تمام جریان‌ات فتنه دشمن را شکست دهد؟ کدام شورااست که چنین قدرتی داشته باشد و به‌طور مشخص قدرتش بالاتر از قدرت کنونی مقام معظم رهبری باشد؟ خبرگان مجتهد، فقیه و بصیر هستند. اگر خدای ناکرده کسی یا گروهی بخواهند بیایند و در مقابل مقام معظم رهبری بایستند، چقدر باید بی عقل و بی‌دین باشند و چطور ممکن است بتوانیم تصور کنیم فضای مجلس خبرگان، خدای ناکرده از یک عده آدم‌های بی عقل و بی‌دین تشکیل شده است. یکی از مسائل مهم خبرگان آینده انتخاب رئیس است. دو انتخابات اسفندماه، رئیس قبلی را با تبلیغات از میدان به در کردند، گرچه تفکر آن ریاست همچنان در مجلس آینده تسلط دارد. گزینه‌هایی که بین اعضا مطرح است چه کسانی هستند؟

تا مجلس خبرگان تشکیل نشود، اینگونه مسائل همه حدس و گمان است. به نظر من تنها جایی که نمی‌شود برای آن با گمانه‌زنی تعیین تکلیف کرد، خبرگان است. در مجلس شورای اسلامی می‌شود با گمانه‌زنی... با لای‌گری...!

لای‌گری‌ها که در همه جا مؤثرند، ولی نمی‌شود در مورد خبرگان با گمانه‌زنی کاری کرد، چون ماهیت کارهای آخوندها اصلاً قابل پیش‌بینی نیست! حتی برای دشمن هم قابل پیش‌بینی نیست. تنها نقطه ضعفی که دشمنان

ما در برابر ما دارند همین است که ماهیت آخوندها قابل پیش‌بینی نیست. (با خنده) یکی از دوستان ما می‌گفت: تو رفیق خوبی هستی و همه جا هم با آدم می‌آیی، اما یکمرتبه انگشتت را در چشم آدم می‌کنی!..بنابراین اینها خیلی قابل پیش‌بینی نیستند و غالباً تابع تکلیفند. تکلیف هم در هر روزی اقتضای دارد. ممکن است از نظر سیاسی با آقای مخالف و حتی با او مبارزه هم کرده باشند، ولی وقتی پای تکلیف در میان می‌آید، به او رای بدهند در خبرگان دوستی داشتیم که با آقای خیلی بود. بعد دیدیم در مسئله ریاست خبرگان رفت و به همان آقای رای داد! از او پرسیدیم: «چرا به او رای دادی؟» پاسخ داد: «چند نفر آمدند و از من عهد شرعی گرفتند که به این آقا رای بدهم و من برای اجرای عهد شرعی ام، به او رای دادم.» بنابراین رفتار افرادی را که این‌جا یک بار عهد شرعی مقید می‌شوند، نمی‌توانید پیش‌بینی کنید.

گزینه‌های خود شما چه کسانی هستند و تصور می‌کنید چه کسانی بیشتر در معرض انتخاب برای این هستند؟

مواضع بنده کاملاً روشن و مواضع ولایی محض است. هر فرد و جریانی که به رهبری وابسته باشد، بنده به او ارادت دارم. هر جریانی که با رهبری زاویه باشد یا باشد، بنده با او زاویه دارم. حالا بنا نداریم فردی را مشخص کنیم. با توجه به اینکه بنده آدم موضع‌داری هستم، اگر پشت سر یک فرد بروم، از فردا همه کسانی که با موضع من مخالف هستند، آن فرد را تخریب می‌کنند! آن بنده خدا چه گناهی کرده که بنده او را در مقابل یک عده از جریانات سیبل کنم؟

یعنی با این اظهارنظر شما، ممکن است موحی از حملات علیه شخص مورد نظران به راه بیفتد؟

بله، این چه کاری است که مسلمانی را که به او ارادت داریم، در مقابل دشمنان سیبل کنیم. بنابراین بهتر است در این‌باره حرفی نزنم.

از مسئله خبرگان که بگذریم، چند مسئله مربوط به شخص شماست که بسیار مهم هستند. قبل از هر چیز، یک شبکه گسترده که عمدتاً در فضای مجازی فعال است، به باز تاب سخنان شما علاقه زیادی نشان می‌دهد منتها به شکل تحریف شده و منقطع! آخرین مورد آن هم این بود که شما گفته‌اید: بی‌حجابی از اختلاس بدتر است! که البته بعداً تکذیب کردید. آیا تا به حال پیگیری شده‌اید که این جریانات را چه کسانی اداره می‌کنند و چرا از دروغ پردازی دست بردار نیستند؟ چون اگر دانم تکرار شود، هم برای نماینده ولی فقیه در مشهد نامطلوب خواهد بود و هم برای نظام. آیا دستگاه‌های اطلاعاتی در این‌باره کار خاصی انجام داده‌اند؟

ما که وظیفه نداریم تعقیب کنیم و اساساً امکان تعقیب هم برای ما نیست. دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی باید پیگیری کنند. به بنده بارها تهمت زده‌اند. بنده در سخنترانی‌ای که شما به آن اشاره کردید، مطلقاً کلمه «اختلاس» بر زبان جاری نشده است! بنده در آن جلسه سوره ناس را تفسیر می‌کردم و درباره «لَوْسَوَّاسِ الْخَنَاسِ» توضیح می‌دادم. آن

جلسه تفسیرم ۵۰ دقیقه طول کشید و در آن مدت مطلقاً از لفظ اختلاس استفاده نکردم. من نمی‌دانم این حرف از کجا برداشته‌اند؟ اساساً مسئله مقایسه وصیت بد و بدتر مطرح نبود. سخن این بود که بنده در تفسیر «لَوْسَوَّاسِ الْخَنَاسِ» گفته‌ام که: «گناهان بر دو قسم هستند، یک وقت انسان گناه می‌کند و در این میان تنها اتفاقی که افتاده این است که معصیتی را انجام داده و نافرمانی خدا را مرتکب شده است. یک وقت گناهی را مرتکب می‌شود و شیطان آن گناه را ابزاری برای گنهکاری دیگران می‌کند تا مثلاً به‌وسیله گناه من دیگران را منحرف سازد.» مثال بنده بی‌حجابی بود. یک زن بی‌حجاب با رعایت نکردن حجاب گناه می‌کند، چون یک واجب شرعی را ترک کرده است...

ولی تالی فاسد دیگر هم دارد...

اما داستان به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه گناه را ابزاز می‌کند برای اینکه دیگران را منحرف و جهنمی کند و چه بسا نحرافی که دیگران در نتیجه این گناه پیدا



خوشبختانه فضای خبرگان با بر خری فعالیت‌های تخریبی به هم نخورد. آنچه مسلم است، ۸۰ درصد خبرگان از لیست «جامعتین» انتخاب شده‌اند. ممکن است لیست جامعین از طرف جریان‌های دیگر سیاسی هم تأیید شده یا نشده باشد، ولی ۸۰ درصد کسانی که انتخاب شدند در لیست جامعین بودند. وقتی شورای نگهبان صلاحیت افراد را تصویب کرد، آقایان هم در جامعه روحانیت مبارز و جامعه مدرسین شخصیت ولایی اینها را ارزیابی و معرفی‌شان کردند و ۸۰ درصد ترکیب مجلس از این افراد است



حاشیه‌هایی از انتخابات اخیر مجلس خبرگان رهبری و نیز وقایع جاری کشور در گفت‌وشنود «جوان» با آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی – بخش پایانی

نیروی رهبری را جز برای اسلام نباید هزینه کرد

هیچ وقت نگفتم بدحجابی بدتر از اختلاس است

می‌کنند، به مراتب شدیدتر از خود گناه است. بحث ما این بود.

بحث اختلاس که مطرح نبود.

نه، من حرفی از اختلاس با معنای عرفی و متعارف آن ن‌زدم. گفتیم: «یک وقت هست بنده ضربه اقتصادی بر دو کسی می‌زنم یا مال یک نفر مسلمان را می‌خورم، یعنی به مال او تجاوز کرده و فعل حرامی را هم انجام داده‌ام، ولی دامنه گناهم فقط تجاوز به مال یک نفر است، اما دامنه انحراف یک زن بی حجاب ممکن است حتی جمع‌کنسیری را در بر گیرد.» این کل بحث بنده بود.

پس بخش اقتصادی و اختلاس را خودشان درست کرده‌اند؟

بله، اگر پیدا کنند، تهمت می‌زنند. نتوانند حرف‌های بنده را می‌گیرند و اول و آخرش را می‌زنند! در دست و البته بلاقیاس مثل کاری که شیاطین با قرآن می‌کنند. می‌گویند: قرآن گفته است نماز نخوانید! راست هم می‌گویند. قرآن می‌گوید: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ»^(۱) ولی پشت سرش گفته است: «وَإِنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا خُبْرًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلِ حَتَّىٰ تَنْسُوا وَاِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُم مِّنَ الْغَاظِ أَوْ لَمْ تُجِدُوا مَاءً فَتَيْمَأُوا صُعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْكُمْ»^(۲) این بخش را حذف می‌کنند و می‌گویند قرآن به ما دستور داده است نماز نخوانید! ممکن است به قرآن تهمت نزنه بیایند، ولی قرآن را قطع کرده‌اند. همین معامله را با حرف‌های خیلی‌ها و جمله بنده می‌کنند!

آیا در دیدارهایی که با رهبری داشته‌اید و سخنانی که به شما گفته‌اند، خطبه‌های شما در مشهد، یا قرآن داشته‌ است؟
نظر رهبری در باره کار کرد، بیان و موضع‌گیری‌های شما چیست؟
البته نظر ایشان در ماه اخیر که بسیار آشکار بود و حکم نما بپندگی خودشان را به شما دادند و در آن حکم، تعابیر جالبی را هم درباره شما به کار بردند. با این همه قطعاً در خیلی از دیدارها در این باره نکاتی را به شما گفته‌اند که شنیدن آن در این بخش از گفت‌وگو برای ما مغتنم است.

مقدمتاً باید عرض کنم روزی که آقا به بنده فرمودند: به مشهد برو و نماز جمعه را بخوان، من آدم ناشناخت‌ای نبودم و حداقل در تهران غیر از مسئولیتی که در دانشگاه امام صادق (ع) داشتم مواضع در فضای دانشگاهی و آکادمیک کشور کاملاً مشخص بود...

در مجامع زیادی سخنرانی‌هایی هم داشتید.

بله، سخنران معروف شهر تهران بودم. بنابراین مواضع کاملاً معلوم و آشکار بود و حضرت آقا با توجه به این مواضع، به بنده تکلیف کردند امامت جمعه مشهد را به عهده بگیرم. حکمت مقام معظم رهبری یک امر ثابت شده و در عرض این حکمت قدرت مدیریت ایشان کاملاً مشخص است. یکی از ویژگی‌های فوق‌العاده برجسته مقام معظم رهبری، مدیریت بر کلیت نظام مستقر است چه رسد به مدیریت بر مجموعه‌هایی که زیر مجموعه خودشان است. بنده سرباز آقا هستم و هر وقت موضع ضد ایشان باشد، خواهند گفت بس است و کنار برو!

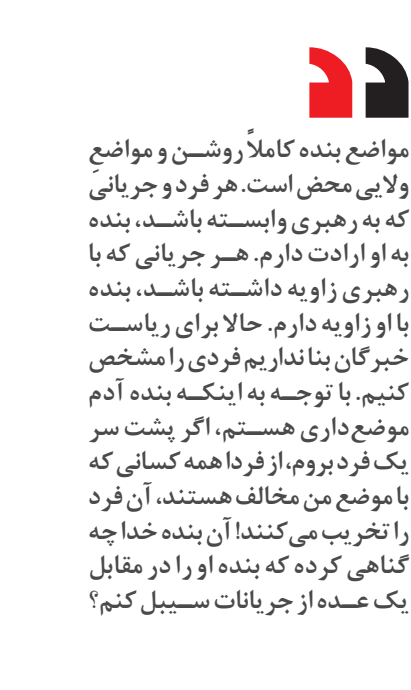
جمع شده بود که با آن سابقه، شخصیت و نبوغ فوق‌العاده‌ای که مرحوم آقای طیبی در مدیریت داشت، اگر بخواهیم مصداق کاملی از مدیریت اسلامی را نشان بدهیم، بی‌شک مصداق آن ایشان است. سؤال بنده این بود که پس از رحلت ایشان، چه کسی می‌تواند این سه بعد را به شکل هماهنگ مدیریت و جمع کند؟ همین حرفی را که من زدم، مقام معظم رهبری دقیقاً با رفتارشان نشان دادند.

منظور تان تقسیم این وظایف بین افراد مختلف است؟

بله، ایشان با تقسیم مسئولیت‌های آقای طیبی به سه بخش و محول کردن به سه نفر، توانایی و قدرت بالای آقای طیبی را به‌خوبی نشان دادند. تولیت آستان قدس را به یک نفر و نمایندگی خودشان را به یک نفر دادند و برای اداره حوزه علمیه هم شورا تعیین کردند. در همه جا نماینده مقام معظم رهبری مدیر حوزه مرکز استان هم است، ولی در مورد خراسان به دلیل پهنه عظیم حوزه، این کار را نکردند و برای اداره حوزه شورای عالی تعیین کردند. این تقسیم‌گیری مقام معظم رهبری همان حرف بنده را اثبات می‌کند که در آن ایام گفتیم: آیا پس از مرحوم آقای طیبی فردی پیدا می‌شود که بتواند همه این کارها را بکند؟

آیا به عنوان نماینده ولی فقیه در جایگاه ایشان تسلط وافى و کافی به شهر پیدا کرده‌اید؟

حکم آقا، افتخاری بر مفاخر بنده افزود و اعتماد ایشان برای بنده اعتباری شده است. در این بحثی نیست، ولی از نظر اجرای این برنامه‌ها، بنده قبلاً همه این کارها را می‌کردم. به خاطر اینکه مرحوم آقای طیبی در آخر عمرشان دچار نفاقت شدید جسمی شده بودند و وضعیت جسمانی‌شان به همه ریخته بود. گرفتاری‌های آستان قدس هم زیاد شده بود. در مسائل حوزه هم از بنده کمک می‌خواستند و طبعاً در خدمت ایشان بودم. مراجعات به نماینده ولی فقیه عمدتاً از طرف مردم و به ارجاع خود آقای طیبسی به بنده بود، مشکلات در عرصه گرفتاری‌های شخصی مردم هم در مشکلاتی که آنها در ادارات و دستگاه‌های دولتی داشتند، هم در هماهنگی بعضی از دستگاه‌های مدیریتی استان و هم در مسائل سیاسی. مراجعات عملاً به بنده بود، چون گرفتاری‌های جسمانی ایشان در حدی بود که نمی‌توانستند به‌طور کامل در دسترس همه مردم باشند. طبیعتاً ما چون در دسترس مردم بودیم، مردم هم مراجعه



می‌کردند و حتی کاری هم نداشتند که ما نماینده ولی فقیه هستیم یا نیستیم! مردم می‌خواستند و می‌خواهند که مشکلسان حل شود. ما هم که سرباز آقا بودیم و باید سربازی می‌کردیم. لذا بنده این کارها را قبلاً هم انجام می‌دادم و بعد از حکم آقا عملاً چیزی بر وظایف من اضافه نشده است. دو سه ناهد بود که قبلاً به بنده ارتباط نداشت و تقریباً جنبه تشکیلاتی دارد؛ یکی مرکز رسیدگی به امور مساجد است که شورای مسئول دارد و خودش اداره می‌کند، یکی دیگر نهاد امور اهل سنت استان است که در آن نماینده ولی فقیه هست و خودش تشکیلاتی دارد و بخش عمدتاش مربوط به نهادی در دفتر خود مقام معظم رهبری است و یک بخش مربوط به اجرائیات ماست. آن هم تشکیلات است که وضعش مشخص است و چیزی نیست که بگویم برای ما کار بیشتری تولید کرده است. پس عملاً داریم همان کاری را که می‌کردیم، ادامه می‌دهیم. فقط توقع مردم به اعتبار حکم آقا بیشتر شده است و اینکه مردم ما نا‌راضی نشوند، هدف ماست. بنده چون سستی نداشتم و کار مردم را راه می‌انداختم، مردم در گوشه و کنار عمدتاً راضی بودند. فقط باید تلاش کنیم طوری باشد که آنها همچنان از ما راضی باشند. ان‌شاءالله

با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.

من هم از شما ممنونم. مطبوعات از منی ما وظیفه خطیری بر عهده دارند. امیدوارم شما و سایر جراید انقلابی، بتوانید به این وظیفه در این دوره حساس عمل کنید. والسلام علیکم و رحمت‌الله و بر کاته

پی‌نوشت‌ها:

۱- سوره نساء، آیه ۴۳

۲- همان

۱- سوره نساء، آیه ۴۳
۲- همان

گفت‌وگو

گفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۷۹

جوان